

خبرانتخاب طیب‌نیا به عنوان وزیر اقتصاد چقدر واقعی است؟

تعیین فرماندهٔ اقتصادیا عملیات فریب

فرهنگیختگان

روز گذشته درحالی‌که اخبار مذاکرات ایران و آمریکا همه فضای خبری کشور را به خود اختصاص داده بود، یک خبر حسابی در فضای رسانه‌ای کشور پیچید. خبر این بود که محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور و سرپرست نهاد ریاست‌جمهوری درباره آخرین وضعیت معرفی وزیر اقتصاد، اعلام کرد: «پس از بررسی‌های کارشناسی و جلسات متعدد، فهرستی از افراد شایسته را برای تصدی مسئولیت وزارت امور اقتصادی و دارایی به رئیس‌جمهور پیشنهاد کرده‌ایم که در رأس آن دکتر علی طیب‌نیا قرار دارد.» پس از اعلام این خبر، اخبار فیکِ درخصوص شرط و شروط طیب‌نیا برای آمدن به وزارت اقتصاد منتشر شد. اخبار فیک عبارت بود از اینکه طیب‌نیا شرط پذیرفتن سکان وزارت اقتصاد را، جایگزینی محمدباقر نوینخت با محمدرضا فرزین اعلام کرده است. اما خیلی زود، هر دو خبر از سوی دفتر علی طیب‌نیا و محمدباقر نوینخت تکذیب‌شد. کارشناسان اقتصادی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از احتمال آمدن علی طیب‌نیا به وزارت اقتصاد استقبال کردند. این کارشناسان در ادامه به این سسؤال «فرهیختگان» پاسخ دادند که فارغ از اینکه طیب‌نیا بپذیرد و شود یا نپذیرد، وزیر اقتصاد جدید به‌عنوان فرمانده اقتصادی دولت با فرض شکست مذاکرات ایران و آمریکا و تشدید تحریم‌ها، چه کاری باید انجام دهد.

خبرسازی فیک برای نوسان‌گیری!

پس از آنکه محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور اعلام کرد علی طیب‌نیا به‌عنوان گزینۀ اصلی تصدی وزارت اقتصاد در فهرست پیشنهادی به مسعود پزشکیان قرار دارد، برخی رسانه‌ها مدعی شدند طیب‌نیا شرط حضورش در وزارت اقتصاد را، جایگزینی محمدباقر نوینخت با محمدرضا فرزین در بانک مرکزی اعلام کرده و رئیس‌جمهور نیز این شرط را پذیرفته است. گرچه مشخص نیست این خبرسازی‌ها با چه هدفی انجام می‌شود، اما یکی از مسئولان دفتر رئیس‌سازمان برنامه‌وپروچه دولت روحانی در گفت‌وگو با رسانه‌ها این شایعه را رد کرده و گفت نوینخت به‌صورت جدی صرفاً به تدریس در دانشگاه ادامه خواهد داد.

این خبرسازی فیک آنجایی فاجعه‌بار است که منتشر کنندگان آن نمی‌دانند اولاً دیدگاه‌های کلان علی طیب‌نیا و محمدباقر نوینخت در حوزه اقتصاد از نرخ ارز، تورم، آزادسازی، خصوصی‌سازی، بودجهریزی، شرکت‌های دولتی و ناترازی‌ها از زمین تا آسمان متفاوت بوده و ثانیاً نوینخت از چندین سال فعالیت در دولت روحانی و به‌ویژه سکانداری ریاست‌سازمان برنامه‌و بودجه، هیچ کارنامه قابل دفاعی نداشته و عملاً هیچ تناسبی با مدیریت بانک مرکزی نیز ندارد. اما فاجعه‌بارتر اینکه دولت تاکنون واکنشی به این اخبار فیک نداده و نسبت به تبعات نوسان‌گیری از افکار عمومی از سوی برخی افراد بی تفاوت بوده است.

تردید در بازگشت طیب‌نیا

پس از اعلام خبر معرفی علی طیب‌نیا به‌عنوان اصلی‌ترین گزینه برای سکانداری وزارت اقتصاد یکی از نزدیکان علی طیب‌نیا در تماس با رسانه‌ها ضمن تکذیب حضور وی در دولت به‌عنوان وزیر پیشنهادی دولت برای وزارت اقتصاد، گفت شایعات پیرامون این موضوع و همچنین گزینه جانشین برای بانک مرکزی به‌عنوان شرط دکتر طیب‌نیا کذب بوده و واقعیت ندارد.

اما نگاهی به فراز و فرود علی طیب‌نیا در وزارت اقتصاد دولت روحانی و همچنین شرط و شروط وی برای حضور در دولت سیزدهم و مصافا سرنوشت وی در دولت پزشکیان نشان می‌دهد بعید است وی این مسئولیت را بدون تحقق چندین شرط، بپذیرد. یکی از موضوعاتی که گفته می‌شود از جمله پیش‌شرط‌های طیب‌نیا برای حضور در دولت پزشکیان باشد، اعطای اختیارات به وی برای فرماندهی واحد اقتصادی در دولت است. برخی شنیده‌ها حاکی است دلیل سرخوردگی و کناره‌گیری طیب‌نیا از دولت پزشکیان، به حاشیه رفتن ایشان و کم‌اهمیتی به جایگاه وی در دولت بوده است.

اما برخی از رسانه‌ها از شرط و شروط دیگری هم می‌گویند و مدعی‌اند در صورت عدم تحقق این موارد بعید است طیب‌نیا سکانداری وزارت اقتصاد

۴ الزام برای تحقق شعار سال ۱۴۰۴

سیدعباس عباس‌پور، کارشناس اقتصادی درخصوص الزامات تحقق شعار سال ۱۴۰۴ در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری در ایران پرداخته و اشاره کرد: «حجم پایین و نوسانی سرمایه‌گذاری در ایران به دلایل متعددی برمی‌گردد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها افزایش هزینه سرمایه‌گذاری برای بنگاه‌های تولیدی است.» وی با تأکید بر تقسیم‌بندی سرمایه‌گذاری به دو نوع، توضیح داد: «سرمایه‌گذاری در ساختمان و سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات دو بخش اصلی‌اند. سرمایه‌گذاری در ساختمان به قیمت مصالح وابسته است و نوسانات ارز می‌تواند تأثیر زیادی بر آن بگذارد. به‌عنوان مثال، اگر قیمت مصالح ساختمانی به دلیل نوسانات ارز افزایش یابد، این امر می‌تواند به‌طور مستقیم بر هزینه‌های پروژه‌های ساختمانی تأثیر بگذارد.» عباس‌پور همچنین به سه چالش‌های سرمایه‌گذاری درخصوص ماشین‌آلات اشاره کرد و گفت: «سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات نیاز به واردات دارد و بنابراین تحت تأثیر نرخ ارز قرار دارد. اگر نرخ ارز افزایش یابد، هزینه‌های واردات ماشین‌آلات نیز افزایش خواهد یافت و این موضوع می‌تواند مانع از سرمایه‌گذاری در بخش تولید شود.» این کارشناس اقتصادی درباره اثر تحریم‌ها و منازعات بین‌المللی بر تمایل سرمایه‌گذاران گفت: «تحریم‌ها باعث منصرف شدن سرمایه‌گذاران از سرمایه‌گذاری می‌شود. به‌ویژه در شرایطی که عدم اطمینان اقتصادی وجود دارد، شدت می‌گیرد.» وی افزود: «دولت در دهه ۸۰ معمولاً از درآمد نفت برای سرمایه‌گذاری استفاده می‌کرد، اما با نوسانات ناشی از تحریم‌ها، این امکان کاهش یافت. در حال حاضر، بخش خصوصی به دلیل عدم اطمینان و نوسانات اقتصادی تمایل کمتری به سرمایه‌گذاری دارد.»

اصلاح نظام ارزی؛ کلید نجات اقتصاد

وی در ادامه به موانع پیش روی بانک‌ها اشاره کرد و گفت: «در ۱۰ سال اخیر با وجود چالش‌های فراوان بانک‌ها از سرمایه‌گذاری‌های مولد دور شده و به سمت سرمایه‌گذاری‌های غیرمولد رفته‌اند. این تغییر رویکرد

دولت پزششکیان را بپذیرد. از جمله این شرط و شروط، مسئله FATF است. یک رسانه اصلاح طلب چندی پیش مدعی شد وقتی تیم اقتصادی دولت شهید رئیسی درصددعوت از علی طیب‌نیا برای حضور مجدد در وزارت اقتصاد بودند طیب‌نیا اعلام کرد تنها در صورتی حاضر است دوباره به وزارت اقتصاد برود که دولت مجوز تصویب FATF را از مراجع مرتبط بگیرد.

این موضوع حالا بار دیگر در بسیاری از اظهارنظر هادرخصوص حضور مجدد طیب‌نیا در وزارت اقتصاد مطرح شده است. بسیاری از کسانی که درخصوص حضور مجدد طیب‌نیا در وزارت اقتصاد اظهارنظر می‌کنند، معتقدند وی بدون برداشتن تحریم‌ها و تعیین تکلیف موضوعاتی همچون FATF به وزارت اقتصاد بر نخواهد گشت.

اما یک احتمال دیگر نیز درخصوص مطرح شدن نام علی طیب‌نیا برای سکانداری وزارت اقتصاد از سوی دولت مطرح شده است. این احتمال، عبارت است از اینکه افرادی که در درون دولت پزشکیان منجر به کناره‌گیری وی شده‌اند، حالا با انداختن توپ در زمین طیب‌نیا و اطلاع از عدم پذیرش سکانداری وزارت اقتصاد از سوی وی، سعی دارند روغن ریخته نذر آماج‌زاده کرده و درنهایت گزینه دیگری را به وزارت اقتصاد بفرستند. به عبارتی، این افراد سعی دارند با سفیدشویی خودشان، طوری القا کنند که این طیب‌نیاست که از دولت کناره‌گیری کرده و حالا هم مسئولیت وزارت اقتصاد را با اختیار خودش نمی‌پذیرد.

درویدان و عبداللهی: طیب‌نیا گزینهٔ مناسبی است

حسین درویدیان، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره انتخاب احتمالی علی طیب‌نیا به عنوان وزیر اقتصاد دولت چهاردهم اظهار داشت: «با توجه به سوابق دانشگاهی و تجارب علی طیب‌نیا در سمت مشابه، اویه بسیاری از جزئیات کاری آشنا بوده و از اعتماد رئیس‌جمهور و حتی مقام معظم رهبری برخوردار است. وی فردی فنی و غیرسیاسی است و از نظر اخلاقی و مالی نیز فردی سالم به شمار می‌رود و از این رو احتمالاً به عنوان وزیر اقتصاد توانایی این را دارد که در بسیاری از جلسات تخصصی، نظرات کارشناسی دقیقی ارائه دهد. در این زمینه به نظر من جنبه‌های مثبت زیادی وجود دارد. با این حال، من معتقدم علی طیب‌نیا برای تصدی بانک مرکزی گزینه مناسب‌تری است؛ چراکه بانک مرکزی نهاد مهم‌تری است و جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌گذاری اقتصادی دارد. متغیرهای کلیدی اقتصادی در اختیار این نهاد قرار دارد. اما در مجموع، به نظر من انتخاب وی به عنوان وزیر اقتصاد، تصمیم درستی است.» محمدرضا عبداللهی، پژوهشگر اقتصادی نیز در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره احتمال انتصاب علی طیب‌نیا تصریح کرد: «آمدن فردی مانند علی طیب‌نیا به عنوان وزیر اقتصاد، به دلیل تجربه و شناخت عمیقی که از شرایط اقتصادی ایران دارد، می‌تواند تأثیر چشمگیری در حل چالش‌های کنونی کشور داشته باشد. وی نه‌تنها سابقه وزارت در دوران تحریم‌ها را دارد، بلکه در این مدت توانسته است درک خوبی از مسائل اقتصادی کشور پیدا کند. وی با توجه به دانش تخصصی خود در حوزه اقتصاد و اشراف به شرایط ویژه ایران، به خوبی از نیازهای این بخش آگاه است و این ویژگی‌ها می‌تواند در هدایت وزارت اقتصاد مفید باشد. علاوه بر این، وی در دولت فعلی نیز به عنوان مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور با معاون اقتصادی، نقش مهمی ایفا کرده است و بی‌مباحث درون‌درون‌گرا و بی‌طرفی دارد. بسیاری از ایده‌هایی که توسط رئیس‌جمهور در دوران انتخابات مطرح می‌شد، برگرفته از نظرات او بوده است. بنابراین، توانایی آقای طیب‌نیا در عملیاتی کردن این ایده‌ها در مقام وزارت اقتصاد، به نظر می‌رسد که یک انتخاب منطقی و کارآمد برای دولت باشد.» از دیگر مزایای طیب‌نیا می‌توان به سابقه تعامل خوب او با مجلس در دوران وزارت اشاره کرد. تعامل مثبت و سازنده با نمایندگان مجلس موجب می‌شود احتمال تنش‌های سیاسی در وزارت اقتصاد کاهش یابد و هماهنگی بهتری بین تیم اقتصادی دولت و نمایندگان مجلس برقرار شود.

دولت فرماندهٔ اقتصادی ندارد

حسین درویدیان درخصوص لزوم انتخاب سریع‌تر وزیر اقتصاد و نقش وی در راهبری اقتصاد می‌گوید: «متأسفانه ما هیچ‌گاه در کشور فرماندهی اقتصاد

نداشتیم. مدیریت اقتصادی در ایران به صورت یکپارچه نیست و درگیر نهادها و وزارتخانه‌های مختلفی است که هرکدام تأثیرات خود را بر اقتصاد دارند. در دولت‌ها، ممکن است بعضی افراد به دلیل ویژگی‌های شخصی خود قدرت رهبری اقتصادی پیدا کنند؛ ولی هیچ‌گاه فرماندهی ورهبری یکپارچه اقتصادی شاهد نبوده‌ایم. در این میان، بدون توافق با کاهش تحریم‌ها، بهبود اقتصادی به صورت موردی ممکن است. هرچند می‌توانیم برخی اقدامات تاکتیکی را انجام دهیم تا وضعیت اقتصاد را به تدریج بهبود ببخشیم. این اقدامات باید به گونه‌ای باشد که در مذاکرات بین‌المللی موقعیت بهتری را برای کشورمان فراهم کند و بتوانیم امتیازهای بهتری بگیریم. درنهایت، راهبرد اصلی ما باید کاهش تحریم‌ها و مذاکره باشد.»

محمدرضا عبداللهی نیز در باره انتخاب وزیر آینده جدید افزود: «به نظر می‌رسد وضعیت اقتصادی ایران، خواه ناخواه، تا حد زیادی به مسئله مذاکرات وابسته و نسبت به آن شرطی شده است. این موضوع به وضوح در نوسانات نرخ ارز که در روزهای اخیر شاهد آن بودیم، قابل مشاهده است. واقعیت این است که این تغییرات اقتصادی چیزی نیست که با تغییر وزیر یا تحولات سیاسی به‌طور کامل قابل کنترل باشد. شوک‌های سیاسی نیروی تا حدی غیرقابل پیش‌بینی‌اند و ایسـن امر بر وضعیت اقتصادی تأثیر می‌گذارد. وزیر اقتصاد ضمن مدیریت مذاکرات، باید مشاوره دقیقی درخصوص رفع تحریم‌ها داشته باشد. به‌ویژه باید بر نقاطی تمرکز کند که در آینده ممکن است به چالش‌های اقتصادی تبدیل شوند. این گلوگاه‌ها ممکن است در مذاکرات به‌طور خاص مورد بحث قرار نگیرند، اما توجه به آن‌ها ضروری است. در عین حال، وزیر باید برنامه‌ای جامع و مشخص داشته باشد تا حتی در صورت تغییرات در نتیجه مذاکرات، کمترین شوک به بازارها وارد شود.»

پیشنهاد‌های اقتصاددانان به وزیر اقتصاد جدید

درویدان درخصوص اینکه در شرایط تحریمی، وزیر اقتصاد جدید به‌عنوان فرمانده اقتصادی دولت چه اقداماتی باید انجام دهد، معتقد است:

«تاکتیک‌هایی وجود دارد که می‌توانند به بهبود وضعیت اقتصادی کمک کنند. به‌طور مثال، باید برنامه‌های مسئله‌محور و مأموریت‌محور را طراحی کرده و مسائل جدی اقتصادی مانند عدم تعادل در تولید و مصرف انرژی، مشکلات آلودگی هوا و بحران آب را مورد توجه قرار دهیم. این مسائل باید به‌طور فوری و جدی حل شوند تا بتوانند تحریکات اقتصادی مثبتی ایجاد کنند. همچنین، مسئله صنعتی شدن اقتصاد ایران همچنان یک اولویت اساسی است. تولید صنعتی در مقیاس بزرگ توسط بخش خصوصی باید تقویت شود و برای این منظور نیاز به حمایت‌های ویژه و تسهیلات داریم. این امر به ویژه در صنایع خاصی همچون پوشاک، نساجی و ماشین‌آلات خانگی که به دلایل مختلف اولویت دارند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بنگاه‌هایی که رشد خوبی از خود نشان داده‌اند باید تحت حمایت‌های ویژه قرار گیرند تا بتوانند نقش مؤثری در رشد اقتصادی ایفا کنند.» محمدرضا عبداللهی نیز درخصوص چهارچوب اصلی برنامه‌های وزیر اقتصاد جدید معتقد است: «هدف از این برنامه‌ریزی باید مدیریت نوسانات بازارهای همچون ارز، بازار بین‌بانکی و روابط بین بانک مرکزی و وزارت اقتصاد باشد. مهم است که نوسانات نرخ ارز، به ویژه تغییرات شدید آن که می‌تواند از ۵۰ تومان به ۱۵۰ تومان یا از ۸۰ تومان به ۱۵۰ تومان برسد، به‌حالت فوری برسد. چنین بی‌ثباتی‌های سرمایه‌گذاران وتولیکندنگان را بیشتر از افزایش تدریجی نرخ‌ها نگران می‌کند. بنابراین، ثبات بازار باید در اولویت قرار گیرد. پیش‌بینی‌پذیری اقتصادی به این معنا نیست که قیمت‌ها ثابت بمانند یا هیچ‌گونه افزایشی نداشته باشند، بلکه هدف این است که نوسانات به گونه‌ای مدیریت شوند که از تغییرات غیرمنتظره و شدید جلوگیری شود. به نظر می‌رسد که وزیر در این حوزه وظایف بسیاری دارد که نیازمند توجه و اقدامات گسترده است. وزیر باید همچنین در بخش‌های بانکی، مالیاتی، بازار سرمایه و گمرک، برنامه‌های مشخصی داشته باشد تا پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد تضمین شود. هر یک از این بخش‌ها به‌طور خاص نیازمند تدابیر ویژه‌ای هستند تا هماهنگی و ثبات لازم در روند اقتصادی کشور ایجاد شود. داشتن برنامه‌های دقیق و استراتژیک در این حوزه‌ها می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش نوسانات کمک کند.»

۴ استراتژی برای وزیر

عبداللهی درخصوص برنامه‌های پیشنهادی به وزیر اقتصاد جدید به‌طور جزئی‌تر می‌گوید: «در حوزه بانکی، وزیر باید شناخت دقیقی از منابع و مصارف این بخش داشته باشد و برنامه‌هایی را به اجرا بگذارد که از فشار زیاد به شبکه بانکی، رشد بالای نقدینگی و پایه پولی و درنهایت افزایش نرخ تورم جلوگیری کند. به‌ویژه در حوزه توزیع منابع، باید دقت کافی در مدیریت و نظارت بر بانک‌های دولتی و خصوصی صورت گیرد تا کارکرد نظام بانکی به درستی پیش رود. نظارت دقیق بر شبکه بانکی و اتخاذ سیاست‌های مناسب برای مدیریت این بخش ضروری است. در زمینه تعرفه‌گذاری گمرک، باید تلاش شود که تغییرات لحظه‌ای تعرفه‌ها تا حد امکان کاهش یابد تا از ایجاد شوک‌های ناگهانی در اقتصاد جلوگیری شود. در حوزه نرخ ارز و حقوق ورودی، به‌جای ثابت نگه‌داشتن این نرخ‌ها برای مدت‌زمان طولانی و ایجاد افزایش‌های غیرمنتظره، شاید به‌کارگیری سیاست افزایش تدریجی و خزنده این نرخ‌ها رویکرد بهتری باشد. این تغییرات تدریجی می‌تواند از ایجاد شوک‌های ناگهانی برای تولیدکنندگان و واردکنندگان جلوگیری کند.

در بخش مالیاتی، شفافیت مالیاتی باید افزایش یابد. این امر شامل کاهش فرارهای مالیاتی و معافیت‌هاست تا فشار مالیاتی از بخش‌های تولیدی به سمت بخش‌های غیرمولد و سفته‌بازی منتقل شود. با تکمیل سامانه موبدان مالیاتی و بهبود فرایندهای مرتبط، می‌توان وضعیت مالیاتی کشور را بهبود بخشید. اقدامات لازم در این زمینه در حال انجام است و انتظار می‌رود با استفاده از ابزارهای مختلف، مانند مالیات بر عایدی سرمایه، تحولات مثبتی در این حوزه ایجاد شود. در بازار سرمایه، مدیریت مناسب شبکه بانکی و شرکت‌های بزرگ دولتی می‌تواند تأثیر زیادی در کاهش نوسانات شدید بازار داشته باشد. اگرچه انتظار رشد سریع و ناگهانی در بازار سرمایه نداریم، اما جلوگیری از سقوط‌های ناگهانی و نوسانات شدید می‌تواند انگیزه سرمایه‌گذاران را حفظ کند. استقرار مقررات پایدار و اطمینان‌بخشی به سرمایه‌گذاران درباره نوع مداخلات دولتی می‌تواند به ثبات بیشتر بازار سرمایه کمک کند.»



مطالعات نشان می‌دهد کشورهایی که CGT را به‌طور مؤثر اجرا کرده‌اند، توانسته‌اند نوسانات بازار دارایی‌ها را تا ۲۰ درصد کاهش دهند. به‌عنوان مثال، در انگلستان پس از اجرای CGT، نوسانات

قیمت مسکن به‌طور متوسط ۱۵ درصد کاهش یافت.»

وی بر لزوم تدوین نقشه راه مؤثر دولت برای هدایت اعتبارات بانکی تأکید کرد و گفت: «طبق آمار، در سال ۲۰۲۱ حدود ۳۰ درصد از اعتبارات بانکی در کشورهای توسعه‌یافته به بخش‌های صنعتی و تولیدی اختصاص یافت و اگر CGT به‌درستی طراحی و اجرا شود، این رقم می‌تواند در ایران به ۲۵ درصد افزایش یابد.»

عباس‌پور در رابطه با شناسایی گلوگاه‌ها در بازار دارایی‌ها گفت: «۴۰ درصد نوسانات قیمت‌ها ناشی از رفتارهای سفته‌بازانه است و CGT می‌تواند این رفتارها را کنترل کند.» او اشاره کرد که کشورهای استفاده‌کننده از CGT توانسته‌اند نرخ بیکاری را تا ۲ درصد کاهش دهند، مانند آلمان که نرخ بیکاری‌اش از ۶٫۵ درصد به ۴٫۵ درصد کاهش یافته است.

او همچنین به اهمیت ابزارهای پولی و مالی اشاره کرد و گفت: «این ابزارها در کشورهای توسعه‌یافته نوسانات بازار دارایی‌ها را تا ۲۵ درصد کاهش داده‌اند.»

او بر شناسایی بخش‌های پیشران برای سرمایه‌گذاری تأکید کرد و گفت: «صنایع با ارزش‌آوری بالا و ارزش‌ری کم، مانند لوازم خانگی، مواد غذایی، نساجی و خودروسازی، باید جدی گرفته شوند تا به رشد اقتصادی و صنعتی شدن کشور کمک کنند.»

وی همچنین به دو چالش اصلی کشور، یعنی عرضه و تأمین منابع ارزی برای توسعه و انرژی، اشاره کرد و گفت: «اگر توانیم پویلتیتی‌های خود مانند گاز و برق را تأمین کنیم، با توجه به انرژی‌بر بودن صنایع، امکان ایجاد چشم‌انداز اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف وجود نخواهد داشت.» بنابراین، سیاست‌گذاران، به‌ویژه دولت و وزارتخانه‌های مربوطه، باید در چهارچوب برنامه‌های صنعتی به بهبود و رفع ناترازی‌ها در حوزه انرژی و ارز توجه ویژه‌ای داشته باشند.

رقم به ۲۰ درصد افزایش یابد.»

لزوم توجه به ناتمامی ۳۰ درصد از پروژه‌های عمرانی

وی درباره چالش‌های موجود در تأمین مالی پروژه‌های عمرانی تصریح کرد: «برخی از بخش‌نامه‌های دستوری مانع از بازگشت سرمایه می‌شوند، مانند پروژه‌های بزرگ جاده‌سازی. تأخیر در پرداخت‌ها و عدم شفافیت در فرایندهای مالی می‌تواند به کاهش انگیزه سرمایه‌گذاران منجر شود. همچنین حدود ۳۰ درصد از پروژه‌های عمرانی به دلیل مشکلات مالی نیمه‌تمام باقی می‌مانند.»

عباس‌پور با اشاره به اختصاص تسهیلات ۵۰ همتی بانک‌ها به پروژه‌های عمرانی در سال ۱۴۰۱ اظهار داشت: «پیشنهاد می‌شود بانک‌ها با ارائه تسهیلات با نرخ بهره پایین‌تر و ابزارهای مالی نوین مانند اوراق مشارکت و تأمین مالی جمعی به جذب سرمایه‌گذاران کمک کنند.» وی در ادامه به ماده ۱۲ قانون تولید زیرساخت اشاره کرد و گفت: «طبق این ماده، بانک‌ها می‌توانند به‌عنوان متعهد خرید یا پذیرش پروژه‌های شرکت‌های سهامی مشارکت داشته باشند. این ماده قانونی می‌تواند به تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی کمک کند و به افزایش همکاری بین بخش خصوصی و دولتی منجر شود. مثلاً، در سال ۱۴۰۱، حدود ۱۰ پروژه بزرگ زیرساختی با استفاده از این ماده قانونی تأمین مالی شده‌اند.» عباس‌پور با تأکید بر لزوم اولویت قرار دادن پروژه‌ها مکمل زنجیره‌های اقتصادی و زیرساخت‌های تولیدی، گفت: «پروژه‌های مرتبط با حمل‌ونقل، انرژی و فناوری اطلاعات می‌توانند به افزایش ۲ تا ۳ درصدی در رشد اقتصادی کشور منجر شوند.»

اجرای صحیح مالیات بر عایدی سرمایه

در ادامه، عباس‌پور به اهمیت CGT (مالیات بر عایدی سرمایه) و تأثیر آن بر بازار دارایی‌ها و توسعه صنعتی اشاره کرد: «صرفاً وجود آن کافی نیست و نحوه پیاده‌سازی آن باید به‌صورت متوازن انجام شود.